

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر مشارکت سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه)

سجاد کنعانی نسب^۱ دریافت: ۹۹/۱/۱۸
 ابراهیم متقی^۲ پذیرش: ۹۹/۵/۲۶
 علی روشنایی^۳ عالیه شکر بیگی^۴ خلیل میرزایی^۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سبک زندگی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه انجام شده و سبک زندگی به دودسته معطوف به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم شده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و روش انجام کار نیز پیمایش است؛ پژوهش حاضر از لحاظ نوع داده‌ها در گروه پژوهش‌های کمی و از نظر شکل جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده و از پژوهش‌های میدانی است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر حجم نمونه در نظر گرفته شده و در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها برای دست یافتن به نتایج پژوهش از نرم‌افزار SPSS و آزمون تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج پژوهش گویای این موضوع است که فردیت اعم از جنسیت، مصرف مواد مخدر

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 Email: sajadkanani333@gmail.com
 ۲. استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
 Email: emottaghi@ut.ac.ir
 ۳. استادیار جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران.
 Email: a.roshanaei@yahoo.com
 ۴. استادیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 Email: ashekarbeugister@gmail.com
 ۵. دانشیار جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 Email: mirzaekhalilr@yahoo.com

و ورزش کردن بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد؛ طبقه متوسط و طبقه فرودست بیشتر دارای مشارکت سیاسی به نسبت طبقه بالای جامعه هستند. افرادی که دارای جایگاه اجتماعی بالاتر و وابستگی اجتماعی و بیشتر از سایرین دارای مشارکت سیاسی هستند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، مشارکت سیاسی، دانشجویان، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی

۱. مقدمه و بیان مسئله

انسان‌ها موجوداتی تعاملی هستند و از رهگذر این تعاملات و ارتباطات، ارزش‌ها، نگرش‌ها، ترجیحات و رفتارهای آن‌ها شکل می‌گیرد. در این فرایند آن‌ها یاد می‌گیرند که برای زندگی در جامعه چگونه باید رفتار کنند. ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را فرامی‌گیرند و می‌توانند خود را برای مشارکت فعال و تأثیرگذار در جامعه آماده نمایند (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۵). مشارکت سیاسی نوعی عمل جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور سیاسی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌ها و دخالت مردم در روند انتخاب حزب، نماینده و کاندیدای موردعلاقه خود هستند. به لحاظ تاریخی مشارکت در حیات انسانی، سابقه‌ای کهن داشته و در نظریه ارسطو، منتسکیو، لویاتان، هابز و اندیشه جان لاک، اهمیت مشارکت در امور سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است (امینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۷). در پی یافتن خاستگاه مفهومی مشارکت سیاسی، می‌بایست به قرن شانزدهم میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود پرداخت، پس از آن بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد؛ و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد (راش، ۱۳۹۳: ۱۲۳). جایگاه و پایگاه مشارکت سیاسی پس از عصر روشنگری و تحول معنایی مشارکت سیاسی پس از مفهوم‌سازی‌های نوین سیاست شکل یافت. «می‌توان گفت که مشارکت سیاسی هرگونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌گذاری‌های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی است» (عالم، ۱۳۹۷: ۲۳۴). مشارکت سیاسی در نظام دموکراسی غیرمستقیم، نقش حیاتی ایفا می‌کند. انتخاب، سازوکار اصلی برای تحقق حاکمیت مردمی است. قدرت نهایی از آن مردم است و مردم این قدرت را از طریق فرایند مشارکت سیاسی به نمایندگان واگذار می‌کنند. در این میان مشارکت به شهروندان امکان می‌دهد تا مقامات مسئول را جایگزین کرده و دولت را تغییر دهند. از این رو، مشارکت باعث می‌گردد تا متصدیان امور در مقابل ملت پاسخگو و مسئول باشند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۲). مشارکت سیاسی، محور زندگی سیاسی و حاوی

عنصری از مسئولیت‌پذیری، عمل آگاهانه و آزادانه و از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی و اجتماعی در جوامع مدرن و دموکراتیک است. مشارکت سیاسی به کنش و واکنش‌های افراد (به صورت فردی یا گروهی، سازمان‌یافته و دلخواهانه و غیر تحریک‌شده) که به منظور تأثیرگذاری و نفوذ بر سیاست‌های مملکتی و انتخاب رهبران سیاسی یا عمل در راهی که بتوانند در ایجاد پیامدهای سیاسی برنامه‌ها نقش داشته باشند، اطلاق می‌شود. مشارکت سیاسی می‌تواند متأثر از عوامل فراوانی تصور شود، اما بدون تردید از سبک زیستن تأثیرپذیر خواهد بود، چراکه سبک زندگی^۱ تمام تصمیم‌ها، رویکردها و رفتارها را مورد تأثیر قرار می‌دهد. از آنجایی که سبک زیستن بر تمام ابعاد زندگی اثرگذار است، امر سیاسی نیز بی‌شک متأثر از سبک زندگی خواهد بود.

سبک زندگی به دلیل ارتباط محکمی که با سیاست انتخاب دارد، خود عین سیاست زندگی است. چانی می‌نویسد: «سبک زندگی عبارت است از فرآیند خود تحقق بخشی که در آن کنشگران به طور بازتابی با مسئله چگونه زیستن در متن جهانی با به هم پیوستگی‌های متقابل روبه‌رو هستند؛ و همچنین به دلیل باز بودن زندگی اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعداد مراجع مقتدر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد» (چانی، ۱۳۸۲: ۱۴۸-۱۴۷؛ به نقل از خواجه سروی و طباحی ممقانی، ۱۳۹۲: ۶). وبر در تحلیلی چندبعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک‌مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که محدود به برخی مضایق ساختاری و محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی‌اند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۴).

طرح علمی سبک زندگی برای نخستین بار از سوی ماکس آدلر^۲ (۱۹۲۲) مطرح شد و سپس پیروان او همچون کرت آدلر^۳، لیدا سیچر^۴، الکساندر مولر^۵، سوفیا دوریس^۶، آنتونی بروک^۷، آروین وکسبرگ^۸، آیدا لوی^۹ و دیگران به تفصیل به موضوع سبک زندگی پرداختند و سبک زندگی را در قالب درخت سبک زندگی نشان دادند و همچنین مفاهیم ارزشی و انسان‌شناختی و فلسفی را مطرح کرده و تمام زندگی را به صورت یکپارچه به تصویر کشیدند (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). مشارکت سیاسی اقشار مختلف مردم یک جامعه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتار سیاسی شهروندان چه از نظر پژوهشگران سیاسی و چه از نظر مدیران سیاسی

جامعه ایران محسوب می‌شود. طبقات اجتماعی مختلف در قبال مسائل سیاسی کشور خود و حتی مسائل بین‌المللی حساس بوده و عکس‌العمل‌های خاصی را از خود نشان داده که مورد توجه مسئولان کشوری بوده است. اگر بخواهیم جامعه‌ای دموکراتیک داشته باشیم، باید به مشارکت دادن تمام طبقات جامعه در مسائل کشور گردن نهیم (نصیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۳). مشارکت سیاسی یکی از مفاهیم رایج در حوزه سیاست است. زمانی که بحث از توسعه در این حوزه به میان می‌آید مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از پرکاربردترین مفاهیم برجستگی خاصی دارد و عموماً از آن به‌عنوان مؤلفه اصلی توسعه سیاسی نام می‌برند؛ اما با توجه به این مطالب سؤالی که در رابطه با دانشجویان به ذهن خطور می‌کند این است که اهمیت درک رفتار سیاسی دانشجویان در چیست؟ یعنی دانشجویان به‌عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی، دارای چه خصوصیات و مشخصاتی در ارتباط با حوزه سیاست می‌باشند که شناخت رفتار سیاسی آن‌ها با اهمیت جلوه می‌کند؟ قطعاً دانشجویان از فعالان سیاسی در جامعه امروزی ایران هستند که با توجه به کیفیت و کمیت جریان دانشجویی در کشور تأثیر آن‌ها بر آینده سیاست در جامعه ایرانی کتمان‌ناپذیر خواهد بود. با توجه به نقشی که دانشجویان در آینده کشور از لحاظ اداره امور و فعالیت‌ها دارند؛ و قدرت و توانایی دانشجویان در دامن زدن به تحولات اجتماعی، روشن است که فهم گذشته و تبیین رفتار آن‌ها در حال حاضر ما را قادر به پیش‌بینی بسیاری از موقعیت‌ها، نگرش‌ها و وقایع آینده خواهد ساخت. دانشجویان یکی از ارکان اصلی توسعه سیاسی هستند چراکه بسیاری از شاخص‌های توسعه‌یافتگی را در برابر گروه‌های سنتی دارا هستند. در بررسی قلمرو سیاسی در ایران، حرکت سیاسی دانشجویان یک شاخص مناسب است و می‌توان از طریق آن، سایر تحولات را سنجید.

با این اوصاف می‌توان گفت که دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی دانشجویان و توجه هر چه بیشتر به عواملی که به مشارکت سیاسی این قشر کمک می‌کند و بر آن تأثیر می‌گذارد امری ضروری است، یکی از مهم‌ترین این عوامل سبک زندگی است.

این پژوهش از رهگذر توجه به سبک زندگی و مؤلفه‌های آن، کوشش دارد این موضوع را بررسی کند که آیا سبک زندگی مشارکت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟

آنچه در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد نه صرفاً یک تحقیق درباره مشارکت سیاسی، بلکه یک نگرش به مشارکت سیاسی از دیدگاهی جدید و جامعه‌شناختانه است.

مشارکت سیاسی به عنوان یک عامل جامعه‌شناختی توانسته است بر بسیاری از مسائل مانند سبک زندگی، بحران هویت، باورهای دینی، مسائل اقتصادی، فرهنگی و... تأثیر بگذارد و از آن‌ها تأثیر بپذیرد. در مجموعه حاضر تلاش شده است تا نقش و تأثیرات سبک زندگی بر مشارکت سیاسی دانشجویان مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

۲. مروری بر سوابق و پیشینه نظری

بوردیو درباره شکل‌گیری سبک‌های زندگی نظریه‌ای منسجم ارائه داده است. مطابق مدلی که او ارائه کرده است، شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص منجر می‌شود و منش دودسته نظام است. نظامی برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاص هستند. همچنین سبک زندگی تجسم علاقه‌مندی‌های افراد است که به صورت عمل درآمد و قابل مشاهده هستند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۵). لعلی و همکاران (۱۳۹۱) سبک زندگی مجموعه عقاید، طرح‌ها و نمونه‌های عادی رفتار، هوا و هوس‌ها و شیوه‌های تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی است که نوع خاص واکنش فرد را تعیین می‌کند (به نقل از: خانیکی و رهبر، ۱۳۹۴: ۲۷-۴). شارف (۱۹۹۹: ۳۲). سبک زندگی معرف نحوه کنار آمدن با موانع زندگی و شیوه وی برای یافتن راه‌حل‌ها و رسیدن به اهداف است (کوری، ۲۰۰۵: ۴۷) سبک زندگی، عقاید و فرض‌های اساسی فرد است که یک فرد از طریق آن‌ها واقعیت خودش را سازماندهی می‌کند. دی. آل. شت،^{۱۰} ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شهرنشینی و عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد، بیان می‌کند که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است (بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶). خانیکی و رهبر (۱۳۹۴) بر این باورند که بین ارتباطات میان‌فردی در رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد. نیک بخش و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی؛ مطالعه موردی: استان خوزستان»، دریافتند که میزان گرایش‌های سیاسی در تمام گروه‌های سنی یکسان است و گرایش سیاسی به جز طیف اصول‌گرایی، در بین زنان بیشتر از مردان است. همچنین محل سکونت شهروندان در گرایش آنان به طیف اصول‌گرایی

دارای تأثیر معناداری نیست. رابرت دال (۱۹۷۴) درصدد است که مشخص کند چه عواملی باعث کناره‌گیری برخی مردم از سیاست می‌شود و چرا بعضی بیش از دیگران خود را در امور سیاسی درگیر می‌کنند و مشارکت و حضور بیشتری دارند. او به استناد یافته‌های بررسی‌های خود استدلال می‌کند که طبقه یا قشر سیاسی به این دلیل در فرآیندهای سیاسی مداخله و مشارکت دارند که: (۱) برای پاداش یا مزایای حاصل از آن ارزش بسیار قائل‌اند. (۲) تصور می‌کنند راه‌هایی که به این ترتیب ممکن است پیش رویشان قرار بگیرد مهم‌تر از راه‌های دیگر است. (۳) مطمئن‌اند حتماً می‌توانند در نتایج تصمیمات تأثیرگذار باشند. (۴) معتقدند اگر خودشان خوب کار نکنند نتایج کارها برایشان چندان رضایت‌بخش نخواهد بود. (۵) دربارهٔ واقعه یا مسئله موردنظر، شناخت و مهارت کافی دارند یا دست‌کم فکر می‌کنند که از چنین آگاهی و دانشی برخوردارند. (۶) معتقدند برای پرداختن به عمل سیاسی و ورود به عرصهٔ سیاست لازم نیست، حتماً از موانع و سدهای زیادی بگذرند (به نقل از پناهی، ۱۳۸۶). جمنا و کارلرو^{۱۲} (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته‌اند. تنی و هانکوینت (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی در بین جوانان شهر بلژیک» پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که افرادی که دارای سرمایه اجتماعی بالا و متعلق به طبقه بالا بودند مشارکت سیاسی بیشتری نسبت به افراد طبقه پایین داشتند. دوز و لیپست (۱۹۹۴) در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی»، برای تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی و مشارکت مردم در کشورهای آمریکا و کانادا، بریتانیا و استرالیا بر عوامل و متغیرهایی تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارد ولی شدت و الگوی این تأثیر گذاری ثابت بوده است. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای، اما همان‌طور که گفته شد شدت تأثیر گذاری عوامل مذکور در همه کشورها به یک اندازه نبوده و نمی‌توان به یک الگوی ثابتی در رفتار مشارکتی شهروندان دست یافت. به عنوان نمونه بین موقعیت‌های اجتماعی افراد جامعه و پنداشته‌های سیاسی و گرایش‌های عقیدتی و حزبی آنان رابطه ثابتی وجود ندارد، به طوری که بسیاری از افرادی که وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند،

در فعالیت‌های سیاسی به نفع احزاب محافظه کار و افراد سرمایه‌دار رأی می‌دهند و بر عکس. نیگارد (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی را در بزرگسالان میانسال افزایش می‌دهد؟ تحلیل چند سطحی از بزرگسالان فنلاند و سوئد» به دنبال این است که اهمیت سطح فردی و سطح زمینه‌ای را در سرمایه انسانی و در انواع مختلف مشارکت سیاسی میان افراد میانسال در چارچوب کشورهای اسکانندیناوی بررسی کند و برای این امر به نظرسنجی از افراد میان سال سوئد و فنلاند پرداخته است. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهد که افرادی که در سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت داوطلبانه عضویت داشته و به آن‌ها اعتماد بالا دارند، تمایل بیشتری به مشارکت در مشارکت سیاسی دارند و البته منطقی و تفکر هر کدام از این افراد در این مورد و نوع مشارکتشان متفاوت بوده است.

هافمن و دود (۲۰۱۶) ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در آفریقا» که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان مشارکت سیاسی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال» به عمل آوردند، با نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی از نظر شناختی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی این افراد می‌گذارد. همچنین طبق یافته‌ها، هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرامی‌خواند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است. جمنا و کارلرو^{۱۳} (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته‌اند.

۳. فرضیه‌های تحقیق

۳-۱. فرضیه اول: بین سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۲. فرضیه دوم: بین سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه رابطه معناداری وجود دارد.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و روش انجام کار نیز پیمایش است؛ پژوهش حاضر از لحاظ نوع داده‌ها در گروه پژوهش‌های کمی قرار دارد. در جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده می‌گردد؛ یعنی این پژوهش از پژوهش‌های میدانی است. پرسشنامه ساخته‌شده محقق و متناسب با فرضیه‌های پژوهش طراحی و در بین جامعه نمونه توزیع شده و نتایج مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز کلیه دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه می‌باشد؛ تعداد دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی ۱۹۳۵ نفر است که در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حال تحصیل هستند. تعداد ۱۴۶۵ نفر دانشجوی کارشناسی ۳۷۴ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۹۶ نفر دانشجوی دکتری هستند. شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر حجم نمونه در نظر گرفته شده است. در راستای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز برای پژوهش از پرسشنامه ۳۶ سؤالی استفاده شده و در جهت اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه تدوین شده در بین ۱۱ نفر از اساتید و صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی توزیع گشته است و پس از بررسی برای میزان اعتماد به نتایج حاصل از پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که عدد ۰/۷۹ را نشان می‌دهد و با توجه به آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ می‌توان بر این باور بود که پایایی این پرسشنامه از سطح مطلوب و بالایی برخوردار است. ضمن این که شیوه و هدف طرح سؤالات مربوط به پرسشنامه در جدول (۱) و (۲) تشریح شده است.

۵. تحلیل متغیرهای تحقیق

جدول (۱) و (۲) به ترتیب دو متغیر مستقل اصلی سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی را تشریح و دسته‌بندی نموده است؛ و متغیرهای فردیت، مذهب، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد را به صورت کامل تشریح نموده و مؤلفه‌ها و سنجه‌های این متغیرها را همراه با توضیحات لازم ارائه داده است.

جدول (۱) تحلیل متغیر سبک زندگی معطوف به عوامل فردی

متغیرهای مستقل مؤلفه‌ها سنجه‌ها توضیحات	
فردیت	جنسیت مرد یا زن به‌نوعی میزان تأثیرپذیری از جنسیت و تأهل مقصود سنجش است. متأهل یا مجرد
	مواد مخدر تریاک، کرک، گل، حشیش و... مشروبات الکلی میزان استفاده از انواع مشروبات الکلی سیگار انواع سیگار قرص‌های روان‌گردان اکستازی، LSD و ...
	تناسب اندام ناشی از ورزش یا غیرورزشی، عدم اضافه‌وزن. ورزش حرفه‌ای دارای رشته ورزشی تخصصی درگیری روزانه بیش از ۲ ساعت با ورزشی خاص دارای مدال یا حکم قهرمانی یا عضویت در یک تیم ورزشی حرفه‌ای
	روابط صمیمی گذراندن وقت زیاد با دوستان. مسافرت رفتن با دوستان. روابط کاری و تحصیلی دارای روابط محدود و معطوف به دانشگاه دارای روابط محدود و معطوف به کار
	بدون پوشش امروزی و معطوف به سلیقه فرد. پوشش رسمی و اداری. پوشیدن لباس‌هایی با رنگ، مدل و شکل پوشش مختلف. مدگرایی معطوف به مد، علاقه به پوشیدن لباس‌های مد روز. رعایت حجاب به شکل معمول. رعایت حجاب اسلامی. عدم پوشش حجاب‌مند.
مذهب	نوع دین اسلام، مسیح، یهود، زرتشت و... فرم انتخاب دین انتخاب فردی یا معطوف به خانواده.
	اعتقاد به دین دارای التزام به دین یا بی‌دین بودن. شرکت در مراسم دینی شرکت یا عدم شرکت در مراسم‌های دینی و مذهبی. در قید دین بودن مقید به اصول دینی و دارای تفکر دین‌مدار بودن. تفکر انتقادی در باب دین نقد فرایض دینی و گرایش به اخلاقیات به جای دین.

جدول (۲) تحلیل متغیر سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی

متغیرهای مستقل مؤلفه‌ها سنجه‌ها توضیحات	
اجتماع	طبقه اجتماعی طبقه بالا تنظیم طبقه اجتماعی کاری دشوار می‌باشد، طبقه متوسط اما نوع شغل، وضعیت اقتصادی و جایگاه طبقه فرودست اجتماعی را برای تعیین طبقه اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده شده است.
	جایگاه اجتماعی معطوف به شغل‌هایی چون (پزشک، قاضی و...) که از اعضای خانواده جایگاه اجتماعی را ارتقاء می‌دهد؛ و شغل‌هایی که موجب تنزل جایگاه اجتماعی می‌شوند. معطوف به خانواده از خاندان و خانواده‌های (خان‌ها و...). معطوف به اقتصاد درآمد، املاک، زمین کشاورزی و... .
	وابستگی اجتماعی معطوف به شغل‌های وابسته به نظام جمهوری (روحانیت، سپاه پاسداران و...). معطوف به پیشینه جانبازان، خانواده شهدا، اسیران جنگ تحمیلی، وفاداری به انقلاب و... .
فرهنگ	زبان گویش فارسی، کردی، ترکی و... . لهجه لکی، لری، لهجه شهری و... .
	قومیت شهر شهروند یک شهر خاص بودن. طایفه یا قوم فارس، کرد، ترک و... .
	موسیقی نوع استفاده سنتی، پاپ، رپ یا راک. دانش موسیقایی صرفاً شنونده، نوازنده یا آگاه به علم موسیقی.
اقتصاد	وضعیت اشتغال دارای اشتغال یا بی‌کار کارمند، بی‌کار، آزاد و یا صرفاً دانشجوی.
	تمکن مالی وضعیت اقتصادی خوب نوع خانه، نوع ماشین، میزان حقوق فرد ماهیانه، پس‌انداز و... . وضعیت خوب اقتصادی نوع خانه، نوع ماشین، میزان حقوق ماهیانه خانواده، پس‌انداز و... پدر و مادر.

در این پژوهش، مقصود از مشارکت سیاسی، مجموعه فعالیت‌های ارادی مسالمت‌آمیز است که با آن، اعضای جامعه به‌قصد تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن دست می‌زنند (مانند: عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، شرکت در انتخابات، کاندیداتوری، شرکت در جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی، شرکت در تظاهرات برای محکومیت کنش سیاسی مخالف با نظام جمهوری اسلامی، احساس اثربخشی سیاسی و انجام فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی و...).

۶. تحلیل داده‌ها

در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های برای دست یافتن به نتایج پژوهش از نرم‌افزار spss استفاده می‌شود. در این پژوهش به دلیل پارامتریک بودن متغیرها از روش‌های استنباطی چند متغیره بین آزمودنی و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده می‌گردد، همچنین قبل از تحلیل داده‌ها متغیرهای تحقیق تعریف عملیاتی شدند و گویه‌هایی که دارای بار عاملی بر روی متغیرها بودند، انتخاب گردیدند. جهت تعیین پایایی مقیاس‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضمن این‌که داده‌های موجود در جدول (۳) گویای سطح بالای پایایی مؤلفه‌ها و متغیرهای مشارکت سیاسی، فردیت، مذهب، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد است.

جدول (۳) ضرایب پایایی ابزارهای پژوهش

پرسشنامه و خرده مقیاس ضریب آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی ۰/۸۴
سبک زندگی معطوف به عوامل فردی ۰/۷۹
سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی ۰/۷۳

۷. آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های فرعی از نرم‌افزار spss استفاده شده است. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش و استفاده از آزمون‌های آماری ابتدا باید مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار هستند یا غیر نرمال، چراکه در صورت نرمال بودن توزیع داده‌ها، برای آزمون فرضیه‌ها باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون‌های نا پارامتریک باید استفاده کرد. در این تحقیق با توجه به برابری واریانس‌ها و توزیع طبیعی داده‌ها و سطح سنجش متغیر وابسته که رتبه‌ای و فاصله‌ای است، از آزمون‌های پارامتریک رگرسیون چندگانه و همبستگی چندگانه استفاده گردیده است.

جهت بررسی رابطه «سبک زندگی» و «مشارکت سیاسی» از تحلیل رگرسیون به دو روش هم‌زمان و گام‌به‌گام استفاده کرده‌ایم اما در ابتدا ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی در جدول (۴) آورده شده است. همان‌طور که این جدول مشاهده می‌شود بیشترین همبستگی معنادار بین نمرات اجتماع و فرهنگ (۰/۶۲/۰۲) و کمترین همبستگی مذهب (۰/۱۱/۰۲) است.

مشارکت سیاسی با اجتماع ($=0.1/45$)، مشارکت سیاسی و اقتصاد ($=0.1/42$)، مشارکت سیاسی و فرهنگ ($=0.1/48$) رابطه مثبت و معنادار دارد.

جدول (۴) ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

ردیف	نام متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	سبک زندگی	-					
۲	فردیت	0.36^{**}	-				
۳	مذهب	0.07	0.11	-			
۴	اجتماع	0.38^{**}	0.35^{**}	0.04	-		
۵	فرهنگ	0.46^{**}	0.33^{**}	0.06	0.62^{**}	-	
۶	اقتصاد	0.34^{**}	0.25^{**}	-0.04	0.23^{**}	0.38^{**}	-
۷	مشارکت سیاسی	0.45^{**}	0.42^{**}	0.05	0.45^{**}	0.48^{**}	0.42^{**}

نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون چندگانه با دو روش ورود هم‌زمان متغیرها و روش گام به گام در جدول‌های (۵) و (۷) ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین برای متغیرهای پیش‌بین برابر 0.401 است. به این معنی که مجموع متغیرهای پیش‌بین حدود 40 درصد واریانس مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند و F حاصل از ورود این متغیرها $(F(6/284) = 31/72)$ در سطح $P < 0.01$ معنادار است. از این رو برای تحلیل‌های دقیق‌تر ضروری است تا ضرایب رگرسیون ارائه شود و از آزمون t برای بررسی معنادار بودن ضرایب مؤلفه‌های سبک زندگی به عنوان متغیر پیش‌بین بر مشارکت سیاسی به عنوان متغیر ملاک استفاده شود.

جدول (۵) تحلیل رگرسیون هم‌زمان مشارکت سیاسی بر حسب متغیر سبک زندگی معطوف به

عوامل فردی و سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی

متغیر ملاک R^2 R^2R تعدیل شده خطای معیار
سبک زندگی 0.633 0.401 0.389 $1/72$

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود مقادیر t و سطح معناداری حاکی از معناداری ضرایب رگرسیون مؤلفه‌های سبک زندگی در سطح $P < 0.01$ و معناداری ضرایب رگرسیون اقتصاد در سطح $P < 0.05$ است.

جدول (۶) ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین متغیر سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی در تحلیل رگرسیون هم‌زمان مشارکت سیاسی

ملاک متغیر B خطای ضریب T سطح پیش‌بین معیار SE معیار معنی داری Beta
مشارکت سیاسی مقدار ثابت ۲/۴۹۴ -۰/۹۶۶ ۲/۵۰۵ ۰/۰۱۳
فردیت ۰/۰۵۰ ۰/۰۱۵ ۰/۱۷۶ ۰/۲۲۲ ۰/۰۰۱
مذهب ۰/۱۳۲ ۰/۰۳۶ ۰/۱۹۰ ۰/۶۹۱ ۰/۰۰۱
اجتماع ۰/۰۱۳ ۰/۰۳۳ ۰/۱۱۷ ۰/۳۷۶ ۰/۰۰۷
فرهنگ ۰/۰۵۱ ۰/۰۱۶ ۰/۱۸۹ ۰/۱۴۹ ۰/۰۰۲
اقتصاد ۰/۰۹۶ ۰/۰۲۲ ۰/۲۲۶ ۰/۴۰۱ ۰/۰۰۱

در ادامه برای بررسی اهمیت متغیرهای مختلف بر پیش‌بینی مشارکت سیاسی از تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شد. در این روش ترتیب ورود متغیرها بر اساس بیشترین همبستگی با متغیر ملاک است. در این تحلیل و در گام اول متغیر فردیت، در گام دوم متغیر مذهب، در گام سوم متغیر اجتماع، در گام چهارم اقتصاد و در گام پنجم فرهنگ معناداری خود را طی پنج گام حفظ کرده و در معادله باقی ماندند. همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود در گام اول مؤلفه «فردیت» وارد معادله شده و مقدار ضریب تعیین آن برابر ۰/۲۳ است؛ یعنی این مؤلفه به‌تنهایی ۲۳ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند؛ متغیر «مذهب» به‌تنهایی ۷/۷ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند؛ متغیر «اجتماع» ۱۸/۱ درصد؛ متغیر «اقتصاد» ۱۴/۰۰ درصد و متغیر «فرهنگ» ۳/۱ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند.

جدول (۷) تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مشارکت سیاسی برحسب متغیر سبک زندگی

متغیر ملاک الگو R ² R ² تعدیل شده خطای معیار ΔR ² SE
مشارکت سیاسی ۱ ۰/۴۷۵ ۰/۲۲۵ ۰/۲۲۳ ۱/۹۴ ۰/۲۲۹
۲ ۰/۵۵۰ ۰/۳۰۲ ۰/۲۹۷ ۱/۸۵ ۰/۰۷۷
۳ ۰/۵۹۴ ۰/۳۵۳ ۰/۳۴۶ ۱/۷۸ ۰/۱۸۱
۴ ۰/۶۱۶ ۰/۳۸۰ ۰/۳۷۱ ۱/۷۴ ۰/۱۴۱
۵ ۰/۶۳۳ ۰/۴۰۱ ۰/۳۹۰ ۱/۷۱ ۰/۰۳۱

همان‌گونه که در جدول شماره (۸) مشاهده می‌شود مقادیر t و سطح معناداری حاکی از معناداری ضرایب رگرسیون است. در پیش‌بینی مشارکت سیاسی بیشترین سهم را در گام اول فردیت دارد و مقدار بتای $0/475$ را به خود اختصاص داده است.

جدول (۸) ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین متغیر سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی در تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مشارکت سیاسی

متغیر ملاک متغیر B خطای ضریب T سطح پیش‌بین معیار SE معیار معنی‌داری Beta	
مقدار ثابت $0/886/31 - 0/0019/14$ فردیت $0/0019/17 0/475 0/019 0/176$	مشارکت سیاسی
مقدار ثابت $0/8645/19 - 0/0016/010$ فردیت $0/0017/226 0/377 0/019 0/14$ مذهب $0/0015/630 0/299 0/036 0/204$	
مقدار ثابت $0/8524/341 - 0/0015/094$ فردیت $0/0015/521 0/294 0/020 0/109$ مذهب $0/0005/108 0/260 0/035 0/180$ اجتماع $0/0014/734 0/246 0/022 0/104$	
مقدار ثابت $0/9123/044 - 0/0013/337$ فردیت $0/0014/168 0/230 0/021 0/086$ مذهب $0/0004/270 0/219 0/036 0/152$ اجتماع $0/0014/158 0/215 0/022 0/091$ اقتصاد $0/0013/545 0/195 0/016 0/055$	
مقدار ثابت $0/9070/647 - 0/0042/919$ فردیت $0/0002/000 0/127 0/047 0/047$ مذهب $0/0013/760 0/192 0/134 0/134$ اجتماع $0/0014/392 0/224 0/095 0/095$ اقتصاد $0/0013/247 0/177 0/050 0/050$ فرهنگ $0/0023/151 0/189 0/051 0/051$	

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب عنوان‌شده می‌توان گفت؛ مشارکت سیاسی امروزه از سوی محافل روشنگری موردتوجه ویژه قرار گرفته و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه

یاد می‌شود، به‌گونه‌ای که مشارکت سیاسی در سطح پایین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف کشورها به شمار می‌رود؛ از این رو در دنیای مدرن امروزه شهروندان (به‌خصوص جوانان و دانشجویان) مهم‌ترین رکن جوامع به حساب می‌آیند و مشارکت سیاسی آن‌ها نقش بسزایی در بهبود راندمان کاری دولت و حکومت و الزام آن‌ها به پاسخ‌گویی در برابر افکار عمومی در زمینه‌های مختلف، دارد. از این رو می‌توان گفت که اساساً رسیدن به یک حکومت مردم‌سالار و به طبع آن زندگی بهتر برای شهروندان، مستلزم حضور و مشارکت طبقات اجتماعی مختلف در امور سیاسی و تعیین سرنوشت خویش است، از سوی دیگر رشد مشارکت سیاسی بین اقشار مختلف مردم به‌خصوص دانشجویان می‌تواند زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی را فراهم آورد و نظام سیاسی را در برابر تندبادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و... واکسینه کند؛ در نقطه مقابل، ضعف و کاهش مشارکت سیاسی به گسترش دوری‌گزینی و بی‌تفاوتی سیاسی خواهد انجامید که این امر تبعات جبران‌ناپذیری را برای جامعه در پی خواهد داشت. پس به نظر می‌رسد که دولت‌مردان و حاکمان باید به فکر افزایش انگیزه شهروندان جهت شرکت در فعالیت‌ها سیاسی باشند تا آسیبی از این جهت به مردم، جامعه و کشور وارد نشود.

با توجه به این که افراد پاسخ‌گو به سؤال‌های پرسشنامه در این تحقیق افرادی تحصیل کرده در رشته علوم اجتماعی بودند، اما هیچ‌یک از آنان سابقه عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی را نداشته و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها محدود به شرکت در انتخابات، شرکت در جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی، شرکت در تظاهرات برای محکومیت کنش سیاسی مخالف با نظام جمهوری اسلامی و انجام فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی بود. موضوع دیگری که از یافته‌های این تحقیق به شمار می‌آید وجود شکافی قابل تأمل در میان دودسته افراد موافق و مخالف با نظام جمهوری اسلامی بود، ضمن این که قریب به نیمی از افراد پاسخ‌گو گرایش به مشارکت سیاسی نداشتند.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که فردیت اعم از جنسیت، مصرف مواد مخدر و ورزش کردن بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد؛ چنان که مردان، ورزشکاران، اشخاص دارای روابط صمیمی در دوستی و افرادی که کمتر مواد مخدر استفاده می‌نمایند، بیشتر مشارکت سیاسی دارند؛ و مؤلفه فردیت به‌تنهایی ۲۳ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی

را پیش‌بینی می‌کند. مذهب نیز بر مشارکت سیاسی افراد اثرگذار است، چنان‌که افراد مذهبی بیشتر مشارکت سیاسی دارند، افرادی که دارای پوشش ساده و به‌دوراز مدگرایی هستند و افراد باحجاب دارای مشارکت سیاسی بیشتری می‌باشند. همچنین افرادی که دارای تفکر انتقادی در باب دین هستند کمتر مشارکت سیاسی دارند؛ و مؤلفه «مذهب» به‌تنهایی ۷/۷ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند. ضمن این‌که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که طبقه متوسط و طبقه فرودست بیشتر دارای مشارکت سیاسی به نسبت طبقه بالای جامعه هستند؛ افرادی که دارای جایگاه اجتماعی بالاتر و وابستگی اجتماعی می‌باشند بیشتر از سایرین دارای مشارکت سیاسی هستند؛ و مؤلفه «اجتماع» به‌تنهایی ۱۸/۱ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند. مؤلفه فرهنگ نیز متأثر از زبان، قومیت و موسیقی نتایج را به سمتی سوق می‌دهد که تأثیر چندانی در مشارکت سیاسی ندارند. مؤلفه «فرهنگ» ۳/۱ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند و در نهایت مؤلفه اقتصاد که نشان از این موضوع دارد که افراد دارای اشتغال و اشخاص دارای وضعیت اقتصادی خوب کمتر به مشارکت سیاسی گرایش دارند. ضمن این‌که افرادی که دارای شغل‌های دولتی هستند بیشتر از افراد دارای شغل آزاد دارای مشارکت سیاسی می‌باشند؛ و مؤلفه «اقتصاد» ۱۴/۰۰ درصد از واریانس کل مشارکت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند؛ و در پایان می‌توان چنین از یافته‌های این تحقیق استنباط نمود که سبک زندگی بر مشارکت سیاسی اثرگذار است.

پی‌نوشت

1. Life style
2. Adler,A
3. Adler,K.
4. Sicher,L
5. Moller,A.
6. De Vries,S.
7. Bruck,A.
- 8 Wexberg,E
- 9 Loewy,I
10. D.L.Sheth

- 11. Barkan
- 12. Jemna & Curelaru
- 13. Jemna, & Curelaru

کتاب‌نامه

الف) فارسی

۱. امینی، سلام؛ کواکبیان، مصطفی؛ و طهمورث شیری (۱۳۹۹). «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم ایلام»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰). تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۵-۱۳۲.
۲. پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. خواجه سروی، غلامرضا و طباحی ممقانی، جواد (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن سبک زندگی و تقاضای دگرگونی سیاسی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره چهارم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۲۰-۱.
۴. راش، مایکل (۱۳۹۳). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.
۵. رهبر، مصطفی و خانیکی، هادی (۱۳۹۴). «نقش ارتباطات میان فردی در مشارکت سیاسی مطالعه موردی: انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در شهر تهران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲.
۶. شارف، ریچارد. اس (۱۹۹۹). نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره، ترجمه: مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۹)، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۷). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ سی‌ام.
۸. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: پژوهشگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. کاویانی، محمد (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. کوشکی، امین؛ انصاری‌فرد، حسین و سیدنصراله حجازی (۱۳۹۸). «تحول در رسانه‌های جمعی و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری سیاسی (با تأکید بر جامعه ایران)»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره سوم (پیاپی ۷)، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۰۰-۱۶۳.

۱۱. کوری، جرالند (۲۰۰۵). **نظریه و کاربست مشاوره و روان‌درمانی**، ترجمه: یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۸)، تهران: انتشارات ارسباران.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). **چشم‌انداز جهانی**، ترجمه: رضا جلالی پور، تهران: طرح نو.
۱۳. لیبست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه: محمدحسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.
۱۴. نجفی، محمدجواد؛ معصومی راد، رضا و مظفرالدین شهبازی (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۱-۱۳۱.
۱۵. نصیری، حسام؛ کاظمی پور، شهلا و مجید کفاشی (۱۳۸۹). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین انواع مشارکت سیاسی با طبقات اجتماعی در شهر مهاباد»، **دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۹۱-۲۱۸.
۱۶. نیک بخش، بهرام؛ امیر مظاهری، امیر مسعود؛ شریفی، منصور؛ وثوقی، منصور؛ و شهلا کاظمی پور (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی؛ مورد مطالعه: استان خوزستان»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، سال اول، شماره سوم، پیاپی (۳)، پاییز. صص ۱۲۳-۸۹.

(ب) انگلیسی

17. Adler, Max. (1922). *Die Statas fusing des Marxism's: ein Buitrago Zur Underscreening von soziplpgischer und jurisdicitive Method*, Vicnna: Wiener Volksbuchhandlung.
18. Barkan, Steven E (1999) Race, Issue Engagement, and Political Participation. *Race & Society*, vol. 1.
19. Helly, Denis (1997) "Voluntary and Social Participation by People of Immigrant." January. Paper presented at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
20. Hoffman, A. and Dowd, R. (2016). *Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De*: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda, Department of Political Science, University of Notre Dame.
21. Jemna, V & M. Curelaru, (2009). *Values and Students' Political Participation*, Journal for The Study of Religions and Ideologies, 8, (24).
22. Nygard, M., Nyqvist, F., Steenbeek, W., & Jakobsson, G. (2017). *Does Social*

- Capital Enhance Political Participation of Older Adults? A Multi-Level Analysis of Older Finns and Swedes.* Journal of International and Comparative Social Policy, 31(3), 234-254.
23. Teney, C. and Hanquinet, L. (2012), "**High Political Participation, High Social Capital? A Relational Analysis of Youth Social Capital and Political Participation**", Social Science Research, 41(5):1213-1226.